



شرح فقره ای از حدیث فقه رضوی (ع) - قسمت دوم: مفهوم ذکر

در ادامه فقره مورد نظر از حدیث فقه رضوی (ع) که در مطلب قبل بدان پرداختیم، جهت ابتداء نماز امام رضا علیه السلام میفرمایند: **وَ اجْعَلْ وَاحِدًا مِنَ الْأُتَمَّةِ نُصَبَ عَيْنُكَ** یعنی یکی از ائمه علیهم السلام را پیش چشم قرار داده.

ابتدا اینکه قطعاً معنی این فقره از حدیث این نیست که در نماز ائمه علیهم السلام را متصور شویم و ایشان را عبادت کنیم، و مشایخ اعلی الله مقامهم چنین برداشتی را رد نموده اند، چنانکه مرحوم حاج محمد کریم خان کرمانی اعلی الله مقامه در طریق النجات پس از ذکر این حدیث میفرمایند:

و المراد هو ما ذكره الشيخ الاوحد اعلی الله مقامه و رفع فی الخلد اعلامه و ما ذكرناه و اردنا شرحه و المقطوع انهم صلوات الله عليهم لم يريدوا بذلك احضار صورهم فی الخيال حال الصلوة و جعلها صنما تعبد من دون الله سبحانه كما يفعله الصوفيه لعنهم الله الى آخر...

و در رساله سی فصل میفرماید:

خدا لعنت کند کسی را که غیر خدای واحد جل شأنه را عبادت کند به استقلال یا به شرکت، اگر چه پیغمبر آخرالزمان باشد صلوات الله علیه و آله که جایز نیست در حال عبادت صورت او را به نظر گرفتن و او را عبادت کردن و بدعت است و شرک است بلا شک و بلا ریب چه خواسته که غیر او باشد؟

حال در ادامه مطلب به مراد صحیح از کلام میپردازیم:

از معانی ظاهر حدیث فوق این است که نصب عین داشتن ائمه علیهم السلام یعنی در چگونگی نماز

خواندن تابع ایشان باشیم و موافق شارع حرکات نماز را انجام دهیم، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود **صلوا کما رأیتمونی أُولی**، و بدیهی است که انسان اگر بخواهد متابعت کسی را بکند باید متوجه او بوده و موافق او عمل کند.

و اما معنی دیگر:

در قسمت قبل ثابت کردیم که ذکر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام نه تنها موجب شرک یا ابطال نماز نمیشود بلکه به نص حدیث از اعظم علل نماز بوده و نماز به ذکر ایشان تمام و کامل میشود و امر خداوند چنین قرار گرفته است.

حال بدیهی است که ذکر کردن اسم کسی بدون در نظر گرفتن مسمی و به خاطر گذرانیدن او ذکر نیست، چنانکه اگر اسم زید را ذکر کنیم و غافل از شخص او باشیم، ابدأً ذکر او را نکرده ایم چرا که حروف زاء و یاء و دال حروف مطلق است که اختصاص به زید ندارد.

اما اگر به زبان اسم زید را ذکر کنیم و در مشاعر باطنی (خیال به بالا) نیز متوجه حقیقت او باشیم، آن وقت است که ذکر زید را کرده ایم.

پس باید دانسته باشیم که ذکر پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیز باید با توجه خاطر ما باشد و ایشان را پیش چشم خود ببینیم و مقبل به سوی ایشان باشیم تا ذکر زبانی معنی داشته باشد و غرض از ذکر حاصل شود. و از این جهت است که فرموده اند **و اجعل واحداً من الائمة نصب عینک**.

و فرموده اند **واحداً من الائمة**، چرا که ایشان نور واحدند و خود فرموده اند **اولنا محمد و اوسطنا محمد و آخرنا محمد و کلنا محمد** و در زیارت ایشان میخوانیم **اشهد ان ارواحکم و نورکم و طینتکم واحدة** پس توجه به یکی از ایشان توجه به همه ایشان است و توجه به حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.

و این معنی از حدیث شریف که ذکر شد یکی از معانی است که هیچ اشکالی بر آن مترتب نمیشود و همانطور که گفته شد خواست خداوند است که باید ذکر ایشان را بکنیم تا غافل از ایشان نباشیم.

و اگر بگویید که توجه به ائمه علیهم السلام سبب پریشانی و غفلت از خداست، میگوییم که این حرف مانند آن است که خداوند فرموده رو به کعبه باید نماز بگذاریم و ما بخواهیم طبق قول خداوند که فرموده **اینما تولوا فثم وجه الله** در نماز رو از کعبه بگردانیم یا آنکه فرموده اند در حال قیام به محل سجده نظر کنیم و در حال رکوع بین قدمین و در حال سجده دو طرف بینی و در حال قعود روی دامن و در هیچ جا رخصت نداده اند که چشم بهم بگذاریم مگر در حال رکوع، حال نمیتوان گفت که نظر کردن به این مواضع مانع ذکر خداوند است و من اگر چشم بر هم بگذارم توجهم خالص تر میشود.

در حالی که توجه خالص همان است که به کیفیت مخصوصی که شارع از جانب خداوند امر نموده عمل کنیم چرا که مشاهده خداوند، ایمان به او و تسلیم اوامر اوست چنانکه میفرمایند **لم تره العیون بمشاهدة العیان و لکن رأته القلوب بحقایق الایمان** و فرموده اند **اعبد الله كأنك تراه فان لم تک تراه فانه**

و از این جهت است که برای ذکر خداوند که اعظم شروط نماز است، امام علیه السلام نصب العینی قرار نداده اند، چرا که بدیهی است خداوند را نمیتوان متصور شد و رؤیت خداوند به تمثل در خیال نیست و لکن به تصدیق او و حقایق ایمان مشاهده میشود. و این نه تنها شرک نیست بلکه تنها معنی توحید در نماز است و **اشهد ان کل معبود مما دون عرشك الى قرار ارضك السابعة السفلى باطل مضمحل ما خلا وجهك الكريم.**

و آنچه گفتم هیچ دخلی به عقاید باطله صوفیه ندارد که مرشدشان میگوید لیس فی جبتی سوی الله و انا الله بلا انا و مریدان را به عبادت خود فرا میخواند و عبادت خود را عبادت خدا می انگارد، و این کفر است چرا که خداوند در جبه ای حلول نمیکند و ذات او امتناع از ما سوی است چنانکه امیر المؤمنین علیه السلام میفرماید **وَ لَا أَنَّ الْأَشْيَاءَ تَحْوِيهِ فَتُقَلَّهْ أَوْ تُهْوِيَهُ أَوْ أَنَّ شَيْئاً يَحْمِلُهُ فَيُمِيلُهُ أَوْ يُعَدِّلُهُ لَيْسَ فِي الْأَشْيَاءِ بَوَالِجٍ وَ لَا عَنْهَا بِخَارِجٍ** یعنی اشیاء حاوی او نمی شوند که در ایشان جا بگیرد پس بالا ببرند او را و فرود بیاورند و حمل نمیکند او را پس میل بدهند او را و منحرف کنند یا بعدل و استقامت وادارند در اشیاء داخل نیست و از آنها خارج نیست و در خطبه دیگری میفرماید **لَمْ يَحْلُلْ فِي الْأَشْيَاءِ فَيُقَالَ هُوَ فِيهَا كَائِنٌ وَ لَمْ يَنْأَ عَنْهَا فَيُقَالَ هُوَ مِنْهَا بَائِنٌ** یعنی حلول نکرده است در اشیاء پس گفته شود که در آنها هست و دور نشده از اشیاء پس گفته شود از آنها دور است.

و از این قبیل احادیث اهل بیت علیهم السلام در رد عقاید صوفیه بسیار است و مشایخ ما اعلی الله مقامهم هم به بهترین انحاء رد ایشان را نموده اند و نیازی به تفصیل در این مورد نیست و رد صوفیه سلسله نوشتار دیگری را نیازمند است.

ادامه دارد...